



غدیر در کلام رهبری شهید

بنیانگذار کبیر انقلاب امام خمینی(ره)درباره این عید بزرگ می فرمایند:

غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر در همه اعصار باید باشد.

مسأله غدیر، مسأله‌ای نیست که به نفسه برای حضرت امیر یک مسأله‌ای پیش بیاورد، حضرت امیر مسأله غدیر را ایجاد کرده است.

غدیر برای ایشان ارزش ندارد، آن که ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش غدیر آمده است.

زنده نگه داشتن این عید [غدیر] نه به این است که چراغانی بشود و قصیده‌خوانی بشود و مداحی بشود، اینها خوب است اما مسأله این نیست، مسأله این است که به ما یاد بدهند چطور باید تبعیت کنیم.

قضیه غدیر جعل حکومت است این است که قابل نصب است.

ولایتی که در حدیث غدیر است به معنای حکومت است نه به معنای مقام معنوی. حضرت امیر است که غدیر را به وجود آورده است.^۱

غدیر در کلام رهبری شهید (ره):

مسأله غدیر جزو مسائلی است که در پیرامون آن فکر کردن، امروز به جامعه اسلامی و بخصوص به مردم و کشور ما خیلی کمک می‌کند برای اینکه راه درست حرکت را گم نکنند. ایشان عید سعید غدیر را بخشی از شناسنامه شیعی می‌دانند که طبق آن هویت شیعه حفظ خواهد شد: عید سعید غدیر بخش عمده‌ای از شناسنامه شیعه‌ی ائمه علیهم السّلام محسوب می‌شود و مرد و زن شیعی در طول سالیان طولانی و قرنهای متمادی با یاد این روز و این حادثه هویت خود را^۲ می‌یابد.

درس اول تواتر حدیث غدیر تواتر حدیث غدیر

^۱ . درسنامه ی خطبه ی غدیر، عباسی، حبیب، تهران، پیام سفید، ۱۳۸۸ هجری شمسی، جلد ۱ صفحه ۵
^۲ درسنامه ی خطبه ی غدیر، عباسی، حبیب، تهران، پیام سفید، ۱۳۸۸ هجری شمسی، جلد ۱ صفحه ۱۷

حدیث غدیر، یکی از برترین دلایل‌های شیعه بر ولایت امیر مؤمنان علیه السلام است که با سندهای صحیح و به صورت متواتر از طریق شیعه و اهل تسنن نقل شده است. به گونه‌ای که عده زیادی در طول قرون متمادی آن را روایت نموده‌اند: راویان حدیث غدیر در طول قرون متمادی قرن اول ۱۱۰ نفر از صحابه، ۸۴ نفر از تابعین و ۵۶ عالم اهل تسنن هستند.^۳

درس دوم آیه بلاغ

خداوند در سوره مبارکه ۶۷ سوره مائده می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. این آیه کریمه بعد از بازگشت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حجة الوداع نازل شده و به آن حضرت دستور داده شده است که خلیفه و جانشین بعد از خودش را تعیین نماید. رسول خدا نیز بعد از نزول آیه در منطقه غدیر خم امیر مؤمنان علیه السلام را به جانشینی خود معرفی کردند.^۴

درس سوم حدیث منزلت

در موارد بسیاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار دادند و این جمله را فرمودند: «أنت مني بمنزلة هارون من موسى»؛ که از این عبارت، به حدیث منزلت تعبیر می‌شود. در اینجا ابتدا به نقل این حدیث در جوامع روایی اهل تسنن و سپس به بررسی سندی روایت فوق و دلالت آن و تحریفی که از ناحیه برخی از دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام در مورد این روایت صورت گرفته می‌پردازیم. الف) حدیث منزلت در جوامع روایی این روایت در بسیاری از کتابهای اهل تسنن همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم و... نقل شده است و از احادیث متواتر است.

^۳درسنامه ی خطبه ی غدیر، عباسی، حبیب، تهران، پیام سفید، ۱۳۸۸ هجری شمسی، جلد ۱ صفحه ۲۳
^۴درسنامه ی خطبه ی غدیر، عباسی، حبیب، تهران، پیام سفید، ۱۳۸۸ هجری شمسی، جلد ۱ صفحه ۳۲

اهمیت غدیر در کلام رهبری شهید

اینکه در بعضی از تعبیرات گفته شده است که عید غدیر عیدالله‌الاکبر و از همه‌ی اعیاد بالاتر است، علت این و وجه چیست؟ خب، در قرآن کریم آیاتی هست که به غیر از مسئله‌ی غدیر به مسئله‌ی دیگری قابل تطبیق نیست. همین آیه‌ی معروف «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ اَلْيَوْمَ اَکْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا» که در اوایل سوره‌ی مائده است، با غیر مسئله‌ای در وزن و اهمّیت و اندازه‌ی مسئله‌ی غدیر، قابل تطبیق نیست؛ فقط یک‌چنین مسئله‌ای است که میتواند تعبیر «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» درباره‌اش بیاید. آن کسانی که در مضمون این آیات خدشه کرده‌اند، حرفه‌ایی می‌زنند، مطالبی گفته‌اند، مخالفین و کسانی که قضیه‌ی غدیر را قبول ندارند این آیه را به نحوی تأویل کرده‌اند لکن این بخش از آیه، قابل تأویل نیست. امروز روزی است که دشمنان -کفار- از دین شما مأیوس شدند. چه چیزی مگر بر دین اضافه شد که دشمن را مأیوس کرد؟ آن احکامی که در این آیه، در اوّل سوره‌ی مائده، قبل و بعد از این فقره آمده است، مگر چقدر اهمّیت دارد؟ این تعبیر درباره‌ی نماز نیامده است، درباره‌ی زکات نیامده است، درباره‌ی جهاد نیامده است؛ درباره‌ی هیچ یک از احکام فرعی الهی نیامده است که «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ پس این یک قضیه‌ی دیگری است؛ غیر از این احکام فرعی است. آن قضیه چیست؟ قضیه‌ی رهبری جامعه‌ی اسلامی؛ قضیه‌ی نظام حکومت و امامت در جامعه‌ی اسلامی. بله، ممکن است تخلف کنند -کما اینکه کردند؛ چند قرن بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و امثال اینها با نام امامت و خلافت و مانند اینها، پادشاهی کردند؛ سلطنت کردند- [اما] این لطمه‌ای نمی‌زنند به فلسفه‌ی غدیر. ماجرای تعیین غدیر، ماجرای تعیین ضابطه است، تعیین قاعده است. یک قاعده‌ای در اسلام درست شد؛ پیغمبر اکرم در ماه‌های آخر عمر، این قاعده را وضع کرد؛ آن قاعده چیست؟ قاعده‌ی امامت؛ قاعده‌ی ولایت. جوامع بشری از دیرباز حکومت داشتند؛ بشر انواع و اقسام حکومتها را تجربه کرده است؛ اسلام این حکومتها را، این نوع قدرتمندی‌ها و قدرت‌مداری‌ها را قبول ندارد؛ امامت را قبول دارد. این قاعده‌ی اسلام است؛ غدیر این را بیان میکند. قاعده‌ی حکومت و اقتدار و قدرت‌مداری در جامعه‌ی اسلامی، با غدیر معین شد و پایه‌گذاری شد؛ اهمّیت غدیر این است. اهمّیت غدیر فقط این نیست که امیرالمؤمنین را معین کردند؛ این هم مهم است اما از این مهم‌تر این است که ضابطه را معین کردند، قاعده را معین کردند؛ معلوم شد که در جامعه‌ی اسلامی، حکومت سلطنتی معنا ندارد، حکومت شخصی معنا ندارد، حکومت زور و زور معنا ندارد، حکومت اشرافی معنا ندارد، حکومت تکبر بر مردم معنا ندارد، حکومت امتیازخواهی و زیاده‌خواهی و برای خود جمع کردن و افزودن معنا ندارد، حکومت شهوت‌رانی معنا ندارد؛ معلوم

شد که در اسلام این جوری است. این قاعده در غدیر وضع شد. وقتی این قاعده وضع شد، آن وقت «يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ دیگر دشمنها از اینکه بتوانند مسیر این دین را تغییر بدهند مأیوس میشوند؛ چون مسیر دین آن وقتی تغییر پیدا میکند که آن نقطه‌ی اصلی، آن هسته‌ی اصلی تغییر پیدا کند؛ یعنی هسته‌ی قدرت، هسته‌ی مدیریت، هسته‌ی ریاست؛ اگر تغییر پیدا کند، همه‌چیز تغییر میکند؛ بله، در واقعیت عملی، تغییراتی به وجود می‌آید و افرادی از قبیل خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس سر کار می‌آیند به‌عنوان اسلام، حجاج بن یوسف هم اسیر کار می‌آید، اما اینها دیگر ضابطه را نمیتوانند به هم بزنند. امروز اگر کسانی در دنیای اسلام؛ آنهایی که با معارف اسلامی آشنا هستند مراجعه کنند به قرآن، مراجعه کنند به ضوابطی که در قرآن برای بندگی حق و زندگی و جهت‌گیری بندگان حق -یعنی ملت‌ها- در قرآن معین شده است، امکان ندارد به نتیجه‌ای برسند جز نتیجه‌ی امامت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و آنچه دنباله‌ی او است. این ادعای ما است و میتوانیم این ادعا را کاملاً ثابت کنیم. هرکسی در دنیای اسلام، روشنفکران، متفکرین، صاحبان عقیده، کسانی که از اول با یک عقیده‌ی دیگری بار آمده‌اند، اگر قرآن را و ارزشهای قرآنی و ضوابط قرآنی را برای زندگی جوامع بشری ملاک قرار بدهند، به هیچ نتیجه‌ای نمیرسند جز اینکه کسی مثل علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) بایستی بر جوامع اسلامی حکومت بکند؛ یعنی راه، این است؛ راه، امامت است. این مربوط به غدیر.

خب، وقتی غدیر این قدر اهمیت دارد، آن وقت آن آیه‌ی شریفه‌ی دیگر که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، معنایش روشن میشود. [میفرماید] اگر این حکم را ابلاغ نکنی، اصلاً رسالت را انجام نداده‌ای. پیغمبر ۲۳ سال است دارد مجاهدت میکند -آن مجاهدات مکه، آن مجاهدات مدینه، آن جنگها، آن فداکاری‌ها، آن گذشته‌ها، آن سختگیری‌های بر خود، آن هدایت عظیم بشری که آن بزرگوار انجام داده است، اینها همه در این مدت انجام گرفته- این چه حادثه‌ای و چه عارضه‌ای است که اگر نباشد، همه‌ی اینها [گوی] نیست «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، این نمیتواند چند حکم فرعی باشد؛ این یک چیزی فراتر از اینها است؛ آن چیست؟ امامت است. اول امام کیست؟ خود پیغمبر. امام صادق (علیه‌السلام) در منا فرمود: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ؛ پیغمبر، امام اول است؛ «ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» و بعد بقیه‌ی ائمه^ه.

غدیر، تداوم حاکمیت سیاسی اسلام

در موضوع عید غدیر که عید غدیر روز اعلام خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، یک تعبیر قرآنی در این روز خیلی چشمگیر و حسّاس است؛ آن تعبیر هم این است که در [آیات] اوّل سوره‌ی مائده میفرماید: *الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ*؛ یعنی در روز هجدهم ذی‌الحجه‌ی سال دهم هجری، روز اعلام غدیر و جانشینی امیرالمؤمنین، روزی است که کفار مأیوس شدند از اینکه بتوانند دین مبین اسلام را قلع و قمع کنند؛ تا آن روز هنوز همچنان امیدوار بودند که بتوانند این کار را بکنند؛ اما آن روز دیگر مأیوس شدند. *الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنَ*؛ (۱) [میفرماید] حالا دیگر هیبت کفار، شما را مرعوب نکند؛ به ظواهر و کارها و خودنمایی‌هایی که کفار میکنند اهمّیتی ندهید؛ مراقب رفتارشان در مقابل پروردگار عالم باشید؛ [مفهوم] آیه این است. چرا کفار مأیوس شدند؟ این به خاطر تداوم «حاکمیت سیاسی اسلام» است.^۶

غدیر واقعه‌ی بی تردید

[عید غدیر] عید بسیار مهمّی است. حادثه‌ی غدیر جزو حوادث و وقایع تردیدناپذیر است؛ حالا در جزئیات و گوشه‌کناره‌هایش در طول تاریخ بعضی از نویسندگان و تاریخ‌نویسان و امثال اینها سعی کرده‌اند یک تردیدهایی ایجاد بکنند - که همه‌ی اینها پاسخ داده شده - لکن در اصل این واقعه و اینکه رسول مکرّم (صلی الله علیه و آله و سلّم) در این حادثه امیرالمؤمنین را با این عنوان «*مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ*» (۱) معرفی کرد هیچ تردیدی نیست و این جزو وقایع تردیدناپذیر است؛ نه اینکه حالا این را ما بگوییم؛ این را علمای بزرگ اهل سنت، نویسندگان، روشنفکران [میگویند]. مثلاً آن نویسنده‌ی معروف مصری محمد عبدالغنی حسن که یکی از تقریظ‌نویس‌های بر الغدیر علّامه‌ی امینی است، از جمله‌ی چیزهایی که میگوید [این است که] «هیچ تردیدی در واقعه‌ی غدیر نمیشود داشت»؛ [بنابراین عید غدیر] یکی از مسائل مهم است.

عید غدیر هم از همان قرون اوّل اسلامی یک عید رایج بوده. مواردی در تاریخ هست که مرحوم علّامه‌ی امینی (رضوان الله علیه) در الغدیر ذکر میکنند که در فلان جا نوشته این حادثه اتفاق افتاد «و کان ذلک یوم الغدیر» یا

^۶ ۰۵/۰۴/۱۴۰۳.

مثلاً «یوم ثامن عشر من ذی‌الحجّه»؛ یعنی موارد متعدّدی را در تاریخ اسلام، از همان صدر اوّل، در [دوران] خلفای فاطمی در مصر، در جاهای دیگر، به عنوان عید غدیر ذکر کرده‌اند.

و مرحوم علّامه‌ی امینی این روایت غدیر را از ۱۱۰ نفر از صحابه نقل میکند؛ یعنی روایات متعدّدی با سندهای معتبر وجود دارد که به ۱۱۰ نفر از صحابه میرسد. این چیز مهمّی است که این عدّه‌ی قابل توجّه از صحابه این حدیث را و این حادثه را نقل کرده‌اند. علاوه بر این، احتجاجات خود امیرالمؤمنین هم خیلی مهم است؛ یعنی امیرالمؤمنین، آن زبان صادق، آن بیان ناطق عن‌الله در موارد متعدّدی در مقابل مخالفین خودش، به ماجرای غدیر احتجاج کرده؛ از جمله امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) در صفّین یک خطبه‌ای برای اصحاب خودشان میخوانند و آنجا شرح میدهند حادثه‌ی غدیر را و میگویند پیغمبر این جور گفت و این جور ایستاد و مانند اینها، بعد گفت «قُم یا علیّ»، علی جان بلند شو؛ من بلند شدم، دست من را گرفت و گفت که خدا ولیّ ما است، من را ولیّ شما قرار داده و هر کسی که من ولیّ او و مولای او هستم، این علی مولای او است؛ این را خود امیرالمؤمنین ذکر میکند.

ان‌شاءالله که این عید بر همه‌ی مسلمانان مبارک باشد، بر مردم عزیز ما هم مبارک باشد و ان‌شاءالله که مردم دل‌های خوشی پیدا کنند و مشکلاتی که هست، ان‌شاءالله برطرف بشود^۷

تعلق عید غدیر به همه مسلمانان

عید غدیر اگرچه شاخص فرقه‌ی امامیه‌ی شیعه است، ولی در واقع با مفهوم و محتوا و مضمون گسترده‌ای که این حادثه دارد، این عید متعلق به همه‌ی مسلمانان، بلکه با توضیحی که عرض خواهیم کرد، متعلق به همه‌ی کسانی است که برای بهروزی انسان دل میسوزانند.

^۷. ۰۶/۰۵/۱۴۰۰.

ما شیعیان این اعتقاد راسخ را که متکی به دلیل متقن و غیر قابل تردید است، درباره‌ی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) داریم. این حدیث متواتر - یعنی حدیث روز غدیر - را که همه‌ی محدثین بزرگ اسلام، از شیعه و سنی نقل کرده‌اند، مستند این عقیده‌ی متقن میدانیم. پیغمبر اکرم در یک روز گرم و در یک نقطه‌ی حساس، در مقابل چشم مردم، علی بن ابی طالب (علیه الصّلاه و السلام) را به عنوان امام مسلمین پس از خود و ولی امر امور اسلام معین کرد و به مردم معرفی کرد؛ «من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه». (۱) این عطف به آیات متعددی است که ولایت پیغمبر از سوی خدای متعال تثبیت شده است؛ «انّما ولیکم الله و رسوله» (۲) و آیات متعدد دیگر. میفرماید: آن کسی که من ولی او هستم، این علی ولی اوست. هر معنائی که ولایت در مورد پیغمبر دارد، همان معنا در مورد امیرالمؤمنین با این نصب پیغمبر و معرفی پیغمبر محقق است. این یک دلیل محکم و مستند غیر قابل تردید است. در این خصوص، بزرگان بحث کرده‌اند. لازم نیست وارد بحثهای اعتقادی بشویم؛ این مسلم است^۸